



حسام آبنوس

دبیر قفسه

🔗 در روزهایی که کرونا حال همه را گرفته رضا امیرخانی کتابش را روانه بازار کتاب کرده است و بر این باور است که در روزهای خوب بازار کتاب کنار ما بوده و خوب است در این روزها ما هم مقداری حال خوب به این بازار و فعالان آن تزریق کنیم. «نیم‌دانگ»

پیونگ یانگ! تازه‌ترین کتاب این نویسنده است که سفرنامه او به کره شمالی است. کتابی که حاصل دو سفر وی به کشوری است که فوتبالش روزگاری به توفان سرخ آسیا معروف بوده و حالا بمب اتم آن بیشتر شهرت دارد. به بهانه این کتاب با او گفت‌وگو کردم و درباره کره شمالی، روابط فرهنگی، مخاطبان امیرخانی و فوتبال حرف زدیم.

🔗 **رضا امیرخانی نیم‌دانگ پیونگ یانگ، محافظه کارتر شده (به نسبت جانستان کابلستان) یا این که مخاطبش را به بلوغ رسانده و با یک اشاره او خواننده**

**مطلبش را می‌فهمد؟**

به نظرم می‌رسد که مقایسه رضا در این زمان و آن زمان کاری است که منتقدان باید انجام دهند و طبیعی است که من تغییراتی داشته‌ام اما مقایسه میان افغانستان و کره شمالی متفاوت است. این مقایسه سختی است. در سفر افغانستان من آزادانه‌تر می‌توانستم حرکت کنم در ثانی من احساس می‌کردم در فرهنگ و تمدن خودمان دارم قدم می‌زنم ولی در کره شمالی این احساس را نداشتم. ثالثاً در نوشتن کتاب و هر متن واقع‌نگاری، میزان ارتباطی که با فضا می‌گیرید کمک می‌کند شما بهتر بنویسید و من در کره شمالی هیچ امکانی برای ارتباط گرفتن با فضا نداشتم.

🔗 **منظورم آن بخش‌هایی است که راوی از کره**

**بیرون می‌آید و دست به تحلیل می‌زند و نکاتش درباره جامعه ایران است.**

محافظه‌کارتر قطعاً نشده‌ام. خود موضوع کره شمالی موضوعی است که در آن محافظه‌کاری راه ندارد و همین که شما تصمیم می‌گیرید که به این سفر بروید یعنی محافظه‌کار نیستید. شما اگر محافظه‌کار باشید به این سفر نمی‌روید.

🔗 **چرا؟**



این سفر پر از چالش است. می‌دانستم که با چالش روبه‌رو می‌شوم مثل داستان سیستان! در مورد افغانستان من چالشی نداشتم و موضوع آن چالش برانگیز نبود ولی کره شمالی به محض این که می‌روید قضاوت می‌شوید و باید داوری داشته باشید، در داستان سیستان به محض این که حرکت می‌کنید باید قضاوت و داوری داشته باشم برای همین موضوع سفر چالش برانگیز است بنابراین اگر محافظه‌کار شده بودم پا در این سفر نمی‌گذاشتم.

🔗 **عده‌ای می‌گویند روایت رضا**

**امیرخانی از کره شمالی شبیه همان روایت‌های فرار است که چندتایی هم در ایران منتشر شده است البته چنین باوری ندارم. روایت شما را صادقانه می‌دانم.**

من نگاه خودم را دارم و البته در برخی بخش‌ها روایت من با آنها همپوشانی دارد چون نمی‌توانیم بگوییم همه آن روایت‌ها نادرست است. توضیح‌دادن این ماجرا بی‌فایده است ولی من باورم این است که تحریم در آنجا تاثیر داشته است. در عین حال می‌دانم کره شمالی یک دوره قهرمانانه دارد و در اوایل

دوره کیم ایل سونگ توسعه آنها از کره جنوبی قوی‌تر بوده. حتی اوضاع زندگی هم از کره جنوبی بهتر بوده و در ادواری وضعیت کره شمالی مثل امروز نبوده ولی در نهایت من چیزی را که دیده‌ام نوشته‌ام، ضمناً من خیلی چیزها را ندیده‌ام، نمی‌دانم در زندان‌های کره شمالی چه خبر است؟ مراوده‌ای با مردم آنجا نداشتم. اردوگاه‌های کار اجباری آنجا را ندیدم و با این اوصاف من چگونه درباره آنجا بنویسم؟

🔗 **بخش‌هایی از**

**کتاب من را یاد ۱۹۸۴ انداخت!**

یک جا شبیه است و یک جا نیست البته چون آنجا رمان است و رمان در فردیت شکل می‌گیرد خیلی با این کشور فرق دارد. من با هیچ‌کدام از شخصیت‌های آنجا نمی‌توانم رمان بنویسم شاید جایی که فردیت بروز کرد رفتار «ری» در فرودگاه بود که فریاد زد و آنجا دیدم فطرت بیرون می‌زند و خیلی کیف کردم.

🔗 **چقدر با نگاه فرهنگی و ارتباطات امت اسلامی در این سفر حاضر بودید، مثلاً نشان می‌دهید حول یک مسجد می‌شود فرهنگ‌های مختلف را گرد هم آورد.**

اینها همیشه برای من مهم است و انزوای جهانی کره شمالی من را به این فکر می‌اندازد که ما از فرصتی که در انزواشکنی داریم درست استفاده کنیم.

🔗 **یعنی برای این باورید جمهوری اسلامی از این قدرتش برای شکستن انزوای کره شمالی استفاده کند؟**

انزوای کره شمالی در بلوک تحریم ولی در بلوک اسلام باید با کشورهای مختلفی رابطه داشته باشیم. روابط فرهنگی مردمی قوی! اما نباید کاری داشته باشیم که امروز چه دولتی در ترکیه، عراق، سوریه، پاکستان و عربستان سرکار است و این خیلی برای شکستن انزوا موثر است.

🔗 **چقدر مخاطب رضا امیرخانی هنوز دارد با «من او» و «داستان**

**سیستان زندگی می‌کند؟**

ارزیابی ندارم و نمی‌توانم بگویم. مخاطبان من دارند تغییر می‌کنند. یک زمانی مخاطبان من همسن یا بزرگ‌تر از خودم بودند، وقتی در ۲۴ سالگی کتاب نوشته بودم. امروز هم مخاطبان من همان طیف ۱۸ تا ۲۸ هستند. مخاطب واقعی کتاب همین‌ها هستند و همیشه فکر می‌کردم که در مرکز این دوره هستم. گذشت و گذشت تا این که

در رونمایی «رهش» در مشهد خانمی جلو آمد گفت دخترم امسال کنکور دارد و آمده‌ام کتاب تو را برایش بگیرم اما نصیحتش کن که درس بخواند. من بدون این‌که سر بلند کنم گفتم دخترم مادر ما راست می‌گویند بهتر است اول درس بخوانی! ناگهان خانم گفت ببین من دو سال از تو کوچک‌ترم و خودم مخاطب «ارمیا» بودم و امروز آمدم برای دخترم کتاب تو را بگیرم. آنجا بود فهمیدم که مخاطبان من یک نسل عوض شده‌اند و نوشتن برای آن دختر قسمت‌هایی از کار را برای من سخت کرده است.

🔗 **به مخاطب فکر می‌کنید؟**

بله حتماً فکر می‌کنم چون کار من این است که کتاب به دست مخاطب بدهم. البته بازی مخاطب را نمی‌خورم. 🔗 **می‌گویند رضا امیرخانی به منتقدانش توجه نمی‌کند.**

من تمام نقدهایی که به آثارم نوشته می‌شود را می‌خوانم. منتقد در جای خود و مخاطب در جای خود مهم است. البته یک چیزی را باید بگویم که بارها هم گفته‌ام که منتقد با من نباید صحبت کند بلکه باید با مخاطب حرف بزند. منتقد مخاطبان‌ش را دارد من هم مخاطبان خودم را. ما با هم می‌جنگیم ولی جنگ ما جنگ نیابتی است. اینطور نیست منتقدی بتواند من بگوید رضا تو باید اینطور بنویسی!

🔗 **ما در کتاب با دو عبارت روبه‌رو می‌شویم، یکی «انسان ایرانی» و دیگری «انسان کره شمالی» است. این عبارت ناظر بر ساحت‌های فرهنگی، اجتماعی و... است؟**

گفت‌وگو با رضا امیرخانی به بهانه انتشار

# امیدوارم سال ۹۹ کسی نا



**و با این نگاه می‌شود «شیعه ایرانی» یا «لیبرالیسم ایرانی» را ساخت؟**

بله می‌شود. کما این که شمایقین داشته باشید شیعه ایرانی با شیعه پاکستانی و شیعه عراقی متفاوت است. 🔗 **آن وقت انسان ایرانی، شیعه ایرانی را هم در برمی‌گیرد؟ و مختصات این انسان برای خودتان روشن است؟**

بله. حتی من یک انسان تمدنی ایرانی دارم که در حوزه نوروز است، در این حوزه من انسان افغانستانی را به انسان ایرانی نزدیک می‌بینم هر چند انسان تاجیکستانی این قرابت را ندارد یا در ساحت دین‌داری مدرن انسان ترک را به انسان ایرانی نزدیک می‌بینم؛ این تعبیر را باز عده‌ای می‌خوانند و آن را به سیاست‌های اردوغان تبدیل می‌کنند این اصلاً ربطی به اردوغان ندارد بلکه اردوغان یکی مثل حسن روحانی است. ما داریم درباره تاریخ و تمدن و ساحت فرهنگی انسان حرف می‌زنیم.

🔗 **ولی در کتاب جایی از فتح!... گولن حرف می‌زنید و به نظر می‌رسد نقش او را پررنگ‌تر از افرادی مانند اردوغان و روحانی می‌بینید؟**

دفت کنید گولن نماینده اسلام جدید ترکیه نیست ولی از افراد موثر در ماجرای آموزش است.

🔗 **در ایران اگر بخواهیم کسی را نام ببریم چه کسی را معرفی می‌کنید؟**

الان نداریم چون در زمینه آموزش قوی نیستیم ولی شاید مدل حجتیه در پیش از انقلاب را بتوان نام برد که در این زمینه فعال بودند. البته امثال گولن و اربکان تا بر و برس به آقای پاموک که لائیک است همه تحت تاثیر